

وکیل الرعایای پهلوی

۲۱ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۳۷

در ضلع شمالی مجموعه کاخهای گلستان تهران، ایوان دو بر باز نسبتاً کوچکی وجود دارد، که به آن ایوان یا خلوت کریم خانی می گویند. در وسط این ایوان حوض شش ضلعی بسیار زیبایی دیده می شده است که امروزه نه اثری از زیبایی دارد و نه خبری از آب قنات شاه که در آن جریان داشته است، البته بنا زیبایی خودش را با همه ناملايمات حفظ کرده ولی موضوع بحث ما این نیست، زیرا نابسامانی کاخ گلستان، خود مثنوی هفتاد من کاغذ است و کتابی می طلبد

در سبب نامگذاری ایوان به نام کریم خان زند دو روایت وجود دارد، یکی اینکه عده ای از مورخین بر این عقیده اند که چون اساس و بنیان این ایوان مربوط به عصر کریم خان است بدین نام خوانده شده (۱) و عده دیگری معتقدند که به علت ماجرای دفن استخوانهای کریمخان توسط آقا محمدخان قاجار در این محل، به این نام خوانده می شود. از قضا این ماجرا کاملاً صحیح است و روایت آن است که خواجه تاجدار قاجار پس از سلطنت، دستور به نبش قبر کریمخان داد و توسط رحمانخان یوزباشی در سال ۱۲۰۶ق استخوانهای وی را از شیراز به تهران منتقل کرد و در این قسمت از کاخ زیر پله های جنب عمارت نگارخانه دفن گردید تا هر روز که از آنجا می گذرد با نوک شمشیرش به آنجا بکوبد تا به اصطلاح خان زند در گور بلرزد. «اما این استخوانها در آنجا باقی بود تا که فتحعلیشاه، به جای عموی خویش میراث دار خان قاجار شد و به جهت اینکه آغوش پر مهر و محبت کریمخان را در کودکی خویش چشیده بود و شهريار زند را بسیار دوست می داشت، دستور داد استخوانها را از آن محل بیرون آورده و به نجف اشرف انتقال دهند و با احترام به خاک بسپارند». ۲

این داستان کاملاً صحت دارد و توسط بسیاری از درباریان عهد فتحعلی شاه تأیید شده ولی پس از به قدرت رسیدن رضا پهلوی، به جهت اینکه باب قاجار ستیزی باز بود و تنور تهمت و افترا به ایل و تبار قاجار بسیار گرم، رضاخان که بدش نمی آمد به عنوان قهرمان ملی ایران و ادامه دهنده راه بزرگان کشور همچون کریمخان شناخته شود، داستان ساختگی به راه انداخت و توسط درباریان به خارج راه یافت و هیاهوی بسیار در اوائل سلطنت رضاپهلوی برخاست، که اعلیحضرت پهلوی قصد در اعاده حیثیت از خاندان زند دارد و دستور داده تا این استخوانها از قبر وی در زیر پله ایوان خارج و به قم برده و دفن شود. این مراسم کاملاً تشریفاتی با حضور خود شاه و وزیر دربار تیمورتاش و مهندس شریف زاده در حضور تعدادی عکاس شروع شد و کارگران کردند و آخر به تعدادی استخوان رسیدند که پس از گذشت این همه سال نه پوسیده بود و نه از بین رفته بود. آنها را در سینی نقره قرار داده به حضور رضا پهلوی تقدیم کردند و نویسندگان فرمایشی نوشتند.

در شماره ۴۱۷ روزنامه شفق سرخ، مورخ جمعه ۲۷ آذر ۱۳۰۴ در ذیل اخبار مربوط به مجلس در نطق پیش از دستور محمد تدین ریاست مجلس نطق کرد و ماجرای دفن استخوانها را برای حضار نقل کرد و گفت: حقیقتاً در این موقع که سلطنت حقاً از طرف ملت به اعلیحضرت اقدس پهلوی تفویض شده! و در این موقع که احساسات ایران نسبت به خادمین قدیم از سلاطین بزرگ ایران فوق‌العاده است، مجلس را به کمک شاه و بزرگنمایی این اقدام دعوت و البته بهتر بگوییم امر می نماید. قضیه آنجا جالب تر می شود که در این جلسه عریضه ای از چند تن از بازماندگان دودمان زند که معلوم نیست فریفته زر شده اند یا مقهور زور در ضمن نطق قرائت می شود که از طرف سهراب خان زند و کیلی، حسنخان زند و ... به شاه فرستاده شده مبنی بر اینکه اولاً استدعا کرده بودند روز نهم آبان ماه را به افتخار خلع قاجاریه عید بگیرند، (گنه کرد در بلخ آهنگری *** به شوشتر زدن گردن مسگری!) و ثانیاً تقاضا کرده بودند که توجه خاصی از طرف شاه به قبر کریمخان و لطفعلی خان معطوف گردد. به هر حال این آقایان در ۱۷ دی، در عمارت گلستان به حضور رضاپهلوی رسیدند و شمشیر کریمخان زند را که در این خاندان باقی بود تیمورتاش به رضا پهلوی تقدیم کرد.

رضاشاه که خوب تنوری برای فتیله‌های خودش یافته بود، سریعاً وارد عمل شد و اظهار کرد این شمشیر از بهترین هدایاست که به من تقدیم شده است! و سپس دستور می دهد که زیر پله ها را بشکافند، کاشفان تعدادی استخوان فک و جمجمه یافتند در سینی نقره به حضورش آوردند، در روزنامه شفق سرخ می نویسد: اعلیحضرت با حالت حزن و اندوه سینی را به آقای وزیر دربار می دهند و امر می فرمایند عکاسی بیاید و عکس‌هایی به یادگار بر دارد. و این نمونه ای است از مظلوم نمایی های رضاخانی که احساس می کرد پا جای پای کسانی چون کریم خان می تواند بگذارد و احتمالاً گول این بیت روی تیغه شمشیر و کیل‌الرعا یا را خورده و نمی دانسته روزی باید برود:

این تیغ که شیر فلکش شمشیر است *** شمشیر و کیل آن شه کشورگیر است

پیوسته کلید فتح دارد در دست *** آن دست که برقبضه این شمشیر است ۳

و البته جالبتر اینکه معلوم نیست این استخوانها مال چه انسان بخت برگشته ای بوده است.

پی نوشت ها :

۱. این عقیده کاملاً صحت دارد و ساختمان این ایوان در عهد خود کریم خان ایجاد گردیده است.

۲. عباس اقبال آشتیانی، «از ابتدای صفویه تا آخر قاجاریه پادشاهان ایران هر یک در کجا مدفونند»، مجله یادگار، س ۳، ش ۲، شهریور ۱۳۲۵، ص ۱۷ و ۱۸.

۳. این دو بیت در روی تیغه شمشیر کریم خان که به وسیله علی اصغر اصفهانی در سال ۱۱۹۸ هجری ساخته شده، طلاکوب گردیده است. این شمشیر امروزه در موزه نظامی مجموعه کاخ‌های سلطنتی سعدآباد نگهداری می‌شود.

ماهنامه بهارستان شماره ۷۳

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۸۶۵۰/پهلوی-لالرعایایوکیا>